

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۲، اسفند ۱۳۸۸

راهکارها و الگوهای تخفیف مالیاتی در راستای حمایت بخش دولتی از تشکیل و توسعه تعاونیها مطالعه موردی شهرستان اصفهان

دکتر حسین استادی^۱، سیدمجید قائم مقامی^۲

چکیده

یکی از راه‌های تأثیرگذاری دولت بر تعاونیها، محرکهای مالیاتی است. مالیات یکی از مهمترین ابزارها در جهت تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تأمین هزینه‌های مترتب بر آن است. اخذ مالیات از یک فعالیت خاص یا اعطای معافیت مالیاتی به برخی فعالیتها و برخی مناطق خاص، عموماً در جهت تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. این تحقیق نیز در سال ۱۳۸۶ با هدف بررسی تأثیر برخی الگوهای معافیت مالیاتی در راستای حمایت بخش دولتی از تشکیل و توسعه تعاونیها در قالب چهار فرضیه در شهرستان اصفهان انجام شده و روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده و ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه مقدماتی برابر ۰/۹۳۳ به دست آمده است که اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری

e-mail: dr.ostadi@gmail.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۲. کارشناس ارشد رشته مدیریت دولتی

را در این تحقیق نشان داده است. جامعه آماری مدیران تعاونیهای شهرستان اصفهان بوده و حجم نمونه از روش کوکران محاسبه شده و روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌بندی شده می‌باشد. داده‌های گردآوری شده در محیط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و از روشهای آمار استنباطی شامل فراوانی، درصد و درصد تراکمی، میانگین، انحراف معیار، آزمون t تک متغیره، آزمون t مستقل، تحلیل واریانس استفاده شده است. یافته‌های پژوهش فرضیه‌های تحقیق را تأیید کرده و نشان داده است از نظر جامعه آماری، نظام معافیت مالیاتی بر حسب تمایز بین بخشها، لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در تعیین نرخهای تخفیف مالیاتی، حمایت‌های مالیاتی از فعالیتهای تحقیق و توسعه و اطلاع‌رسانی در مورد تخفیف‌های مالیاتی بر فرایند تشکیل و توسعه تعاونیها مؤثرند. در پایان مقاله نیز دیدگاه مدیران شرکتهای تعاونی دارای وضعیتهای مختلف مالیاتی در مورد فرضیات تحقیق بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها:

تعاونی و بخش تعاون، مالیات و حمایت‌های مالیاتی.

مقدمه

نهضت تعاون با قدمتی حدود دویست سال، به عنوان راه حلی برای مشکلات نظام سرمایه‌داری صرف متولد شده و تاکنون رشد و گسترش روزافزونی داشته است. اما در ایران رشد این بخش به دلیل جوان بودن، ضعف نسبی سهامداران و از همه مهمتر وجود اصول و ارزشهای تعاون در کنار نظام سرمایه‌داری، با مشکلات جدی روبه رو شده است که این مسئله بر ضرورت حمایت بیشتر از این بخش تأکید دارد. با توجه به جایگاه قانونی تعاون و اصول دوم و چهل و سوم قانون اساسی، زمینه مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی خویش و رسیدن به عدالت اجتماعی و مواجهه با فقر و محرومیت، به دور از فرصت طلبی افراد و گروه‌های خاص و ایجاد دولت‌سالاری، از طریق تشکیل مؤسسات تعاونی میسر است (مستعانی، ۱۳۷۵، ۱۳).

تا پیش از کینز، اقتصاددانان کلاسیک بر این اندیشه بودند که انگیزه سودجویی و منفعت طلبی افراد سبب ایجاد حداکثر رفاه برای جامعه می‌شود. از این رو مداخله دولت را در فعالیتهای اقتصادی غیر ضروری می‌دانستند و تنها نقش تأمین امنیت داخلی، دفاع ملی و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت بخشهای غیردولتی را برای آن قائل بودند. کینز نخستین اقتصاددانی بود که حضور سازمان یافته دولت را در هدایت اقتصادی تجویز نمود. در این باره دولت با استفاده از حمایت‌های قانونی، مالی، علمی و ... می‌تواند این نهضت را توسعه دهد. البته باید توجه داشت که دخالت مستقیم دولت آزادی عمل و قدرت ریسک‌پذیری تعاونیها را کاهش می‌دهد و آنها را وابسته می‌کند و این خلاف اصول تعاونی است. بنابراین، دخالت‌های دولت باید برنامه‌ریزی شده و کوتاه‌مدت باشد (قنبری و همکاران، ۱۳۷۹، ۵۸-۵۹).

مالیات یکی از مهمترین ابزارهای دخالت دولت است که سه کارکرد دارد: تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تأمین هزینه‌های دولت. وضع مالیات و اعطای معافیت مالیاتی علاوه بر تأمین اهداف درآمدی دولت به مسئله تخصیص بهینه منابع و توزیع مجدد درآمد نیز توجه دارد. اخذ مالیات از یک فعالیت خاص یا اعطای معافیت مالیاتی به آن بیشتر در جهت تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. علاوه بر این، اعطای معافیت مالیاتی به برخی فعالیتها و برخی مناطق خاص، علاوه بر هدف تخصیص منابع، هدف توزیعی را نیز دنبال می‌کند. به همین منظور دولتها در چارچوب قوانین مالیاتی بر حسب شرایط موجود به اخذ مالیات یا اعطای معافیت مالیاتی می‌پردازند تا به این وسیله ضمن دستیابی به اهداف درآمدی و عدالت اجتماعی، جهت‌دهی به فعالیتهای اقتصادی را نیز عملی سازند. البته اعطای معافیتها و تعیین حد و مرز آنها در کشورهای مختلف با توجه به اهدافی که در آن جامعه تعقیب می‌شود، متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر نیازهای هر جامعه تعیین کننده خط‌مشی‌های لازم در سیاست‌گذاریهای آن جامعه می‌باشد. در ایران نیز با توجه به سیاستهای کوچک‌سازی دولت و تقویت بخشهای غیردولتی و براساس اهداف توسعه‌ای، دولت اقدام به اعطای معافیت به بخشهایی خاص، مانند فعالیتهای کشاورزی، صنعتی و معدنی و تعاونیها و همچنین معافیت منطقه‌ای، مانند مناطق محروم نموده است.

یکی از اهداف اعطای معافیت‌های مالیاتی، افزایش بازده عوامل تولید بخش‌های مورد نظر است. در این روش حمایتی، دولت این فرصت را در اختیار تولید کنندگان داخلی قرار می‌دهد تا بتوانند وضعیت خود را بهبود بخشند و به اصلاح ساختار مالی و فنی خود پردازند.

کلاً محرک‌های مالیاتی انواع مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به روش معافیت مالیاتی کامل یا دوره‌ای، نرخ‌های استهلاک فزاینده و محاسبه فوری مخارج سرمایه‌گذاری و اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری اشاره نمود (آقایی، ۱۳۸۰، ۱۱). شرکت‌های تعاونی نیز اشخاص حقوقی هستند که موظف به ثبت و نگهداری حساب‌های مالی در دفاتر و تهیه صورت‌های مالی و تکمیل اظهارنامه‌های مالیاتی می‌باشند. طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، شرکت‌ها مشمول ۲۵ درصد مالیات بر درآمد می‌باشند مگر اینکه از معافیت‌های مقرر در قانون بهره‌مند باشند. بنابراین، مالیات حجم نسبتاً بزرگی از درآمد را شامل می‌شود و در نتیجه معافیت مالیاتی تأثیر فراوانی در انگیزه سرمایه‌گذاران و سهامداران شرکت‌ها دارد. اما این معافیت‌ها باید در راستای هدایت اقتصادی اعمال شوند و به عبارت دیگر راهکاری در رفع نقاط ضعف و تهدیدات محیطی باشند، چرا که اگر در محل مناسب خود تزریق نشوند نه تنها باری از دوش مشکلات اقتصادی بر نمی‌دارند بلکه موجب وابستگی شرکت‌ها به بخش دولتی می‌شوند. بنابراین به‌جاست که الگوهای معافیت‌مالیاتی همواره مورد بررسی قرار گیرند و به اقتضای زمان و مکان، تجدید یا اصلاح شوند. بنابراین، معافیت‌های مالیاتی اگر به موقع و به گونه‌ای مناسب اعمال شوند می‌توانند مشوق سرمایه‌گذاری شوند و اگر بدون برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گیرند ممکن است وابستگی و تضعیف بخش‌های اقتصادی را باعث گردند. لذا الگوهای معافیت مالیاتی باید همواره بررسی و بازنگری شوند و راهکارهای جدید متناسب با شرایط جدید ارائه شوند. بنابراین، بررسی راهکارها و الگوهایی که بتوانند معافیت‌های مالیاتی را متناسب با بخش‌های اقتصادی در یک چارچوب علمی اجرا کنند، ضروری به نظر می‌رسد و لذا با توجه اهمیت بخش تعاون و تأثیر فراوان مالیات‌ها و معافیت‌های مالیاتی در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، در این تحقیق سعی می‌شود تأثیر معافیت‌های مالیاتی در گسترش بخش تعاون از نظر مدیران

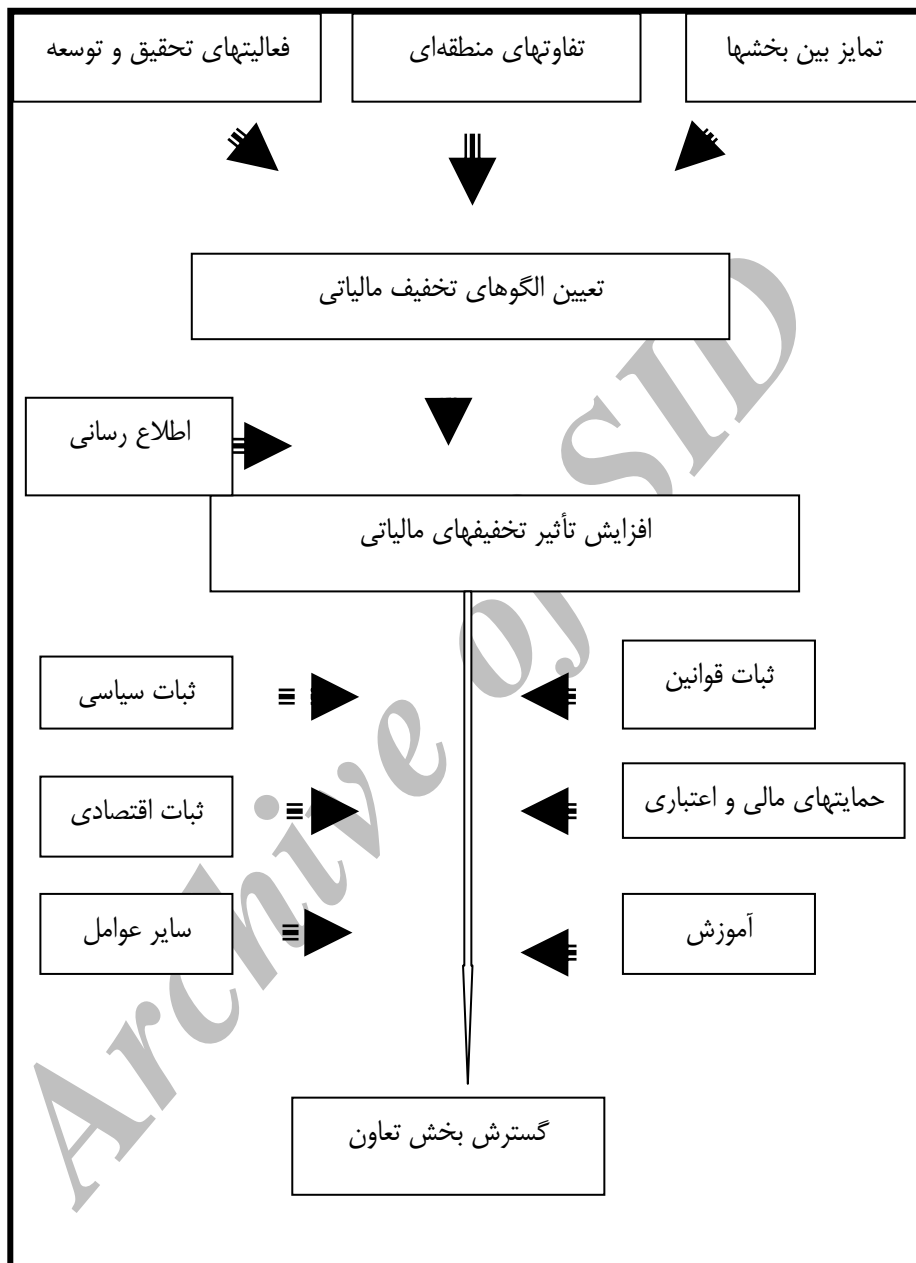
شرکتهای تعاونی مشمول معافیت مالیاتی در شهرستان اصفهان بررسی شود تا در حد امکان گامی هر چند ناچیز، در جهت هدفمندتر نمودن سیاستهای معافیت مالیاتی در راستای حمایتهای بخش دولتی برداشته شود.

چارچوب نظری تحقیق

براساس مدل تحلیلی ارائه شده در این تحقیق (نمودار ۱)، تأثیر معافیتهای مالیاتی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر گسترش بخش تعاون مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا سه متغیر شامل تمایز بین بخشها، تفاوتهای منطقه‌ای و فعالیتهای توسعه و تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل و اطلاع‌رسانی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفته شده‌اند.

الگوهای معافیت مالیاتی با توجه به اهداف کلی نظام و شرایط موجود ایجاد می‌شوند. متغیرهای مستقل این تحقیق از جمله مبناهایی هستند که در تعیین الگوهای معافیت مالیاتی مورد توجه قرار گرفته‌اند، به این صورت که بخشهای اقتصادی از لحاظ اهمیت و میزان ریسک از یکدیگر متمایز گردیده و از نرخهای متفاوت معافیتی بهره‌مند شده‌اند. مثلاً بخشهای کشاورزی، فرهنگی و ... به طور کامل معاف از مالیات می‌باشند و بخشهای صنعتی و معدنی مشمول معافیتهای دوره‌ای یا نسبی می‌باشند و بخشهای خدماتی عمدتاً مشمول معافیت نمی‌باشند و غیره. از طرف دیگر تفاوتهای منطقه‌ای نیز در تعیین الگوهای معافیت مالیاتی مدنظر قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که مناطق محروم از معافیتهای بیشتری برخوردار می‌شوند. همچنین فعالیتهای توسعه و تحقیق نیز از طریق معافیتهای مالیاتی مورد تشویق قرار می‌گیرند.

اطلاع‌رسانی نیز به عنوان یکی از عوامل افزایش دهنده اثر بخشی معافیتها در گسترش بخش تعاون، در نقش یک متغیر تعدیل‌گر بررسی شده است؛ البته حمایتهای مالیاتی و سایر حمایتهای دولتی به تنهایی و به طور کامل نمی‌توانند در گسترش بخش تعاون مؤثر باشند، چراکه عوامل دیگری از قبیل ثبات سیاسی، ثبات اقتصادی، ثبات قوانین، حمایتهای مالی و اعتباری و ... نیز در گسترش این بخش مؤثرند، ولی این عوامل از حیطة مورد بررسی این تحقیق خارجند.



نمودار ۱

پیشینه تحقیق

نظامی‌نیا و همکارانش (۱۳۷۸-۷۹) در بررسی آثار اقتصادی معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ اصلاحی و بند الف ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم در استان اصفهان دریافتند که حذف بند ۲ ماده ۹۹ قانون قدیم و بند ۲ ماده ۱۳۸ قانون جدید در راستای تأکید بر تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت تولیدی کشور بدون محدودیت نوع تولید بوده است. همچنین طبق سوابق موجود در پرونده‌های مالیاتی استان، شرکت‌های تولیدی و معدنی نتوانسته‌اند از تسهیلات پیش‌بینی شده در رابطه با مواد ۱۳۲ و بند الف ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم آن‌گونه که هدف قانونگذار بوده است، برای سرمایه‌گذاری جدید، گسترش، تکمیل و یا ایجاد واحدهای جدید استفاده مطلوبی کنند و از طرف دیگر تحقیق و پژوهشی نیز در زمینه علت این امر و تجزیه و تحلیل عملکرد این معافیتها و مسائل و مشکلات آن انجام نشده است.

حسین زادگان (۱۳۸۲) در بررسی تأثیر پایه‌های مالیاتی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نشان داد که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات و یا ساختمان تابع پایه مالیاتی ثروت نمی‌باشد؛ یعنی تغییرات پایه مالیاتی ثروت اثری بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ندارد. در واقع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی چه در ماشین‌آلات و چه در ساختمان تابع نرخ بهره واقعی نیست. تمام پایه‌های مالیاتی به جز پایه مالیاتی ثروت، دارای اثر منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات هستند و افزایش هر یک از آنها موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان تابع تولید ناخالص داخلی نمی‌باشد. تغییرات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تابع تغییرات پایه مالیاتی واردات نیز نیست. پایه‌های مالیاتی مصرف و فروش، درآمد شرکتها اثری منفی بر میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان دارند. سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات از تولید ناخالص داخلی

دارای اثر مثبت و معنی دار روی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است. ولی سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان از تولید ناخالص اثری منفی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارد. نسبت سرمایه‌گذاری بخش دولتی از سرمایه‌گذاری کل دوره پیش دارای اثر مثبت بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است. نسبت کل مالیاتها از تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی داری روی نرخ رشد تولید ناخالص دارد.

ملایی‌پور (۱۳۸۳) ساده‌سازی ضرایب مالیاتی اشخاص حقوقی را با هدف ارتقای سطح تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی بررسی نمود. نتایج نشان داد که یکی از مهمترین اهداف نظام مالیاتی این است که سطح تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی ارتقا یابد. ساده‌سازی نظام مالیاتی، هزینه تمکین مؤدیان مالیاتی را نیز کاهش می‌دهد. هزینه تمکین، مانند سایر هزینه‌های دستگاه مالیاتی، قابل کاهش است. کاهش هزینه تمکین با تک‌نرخ کردن مالیات، استقرار یک نظام واحد یابی مناسب، کاهش دامنه معافیت‌های مالیاتی و حذف تخفیف‌های مربوط به هزینه‌های دفترداری، امکان‌پذیر می‌باشد. جریمه کردن مؤدیان که فرار مالیاتی دارند و تعقیب مالیات‌های معوق، به خودی خود از اهداف اساسی دستگاه مالیاتی محسوب نمی‌شود. البته باید گفت که یک سیستم متکی بر تمکین داوطلبانه، زمانی موفق خواهد بود که جامعه مؤدیان بدانند اگر آشکارا قواعد تمکین داوطلبانه را نقض کنند، به شدت با آنها برخورد (جریمه سنگین) خواهد شد. در چنین شرایطی هنر مدیریت دستگاه مالیاتی آن است که یک بالانس (موازنه) بین ارائه خدمات مالیاتی به مؤدیان و اجرای دقیق قوانین و مقررات، جهت ارتقای سطح تمکین داوطلبانه برقرار نماید. مؤدی مالیاتی زمانی می‌تواند میزان مالیات خود را محاسبه نماید، که قوانین مالیاتی تا حد ممکن ساده باشند. نظر به اینکه مؤدی مالیاتی، خود مشغله فکری مخصوص به خویش را دارد، لذا عقلانی نیست که از او انتظار داشته باشیم به تمام موضوعات و مقررات پیچیده مالیاتی آشنا باشد. یکی از موضوعاتی که در محاسبه مالیات (توسط مؤدی) مورد توجه قرار می‌گیرد، نرخهای مندرج در کتابچه ضرایب مالیاتی است.

حاتمی‌زاده و همکاران (۱۳۸۲-۸۳) اثر سیاستهای مالی (مالیاتها و مخارج) بر سطح اشتغال در ایران را طی سالهای ۱۳۳۸-۸۰ بررسی نمودند. نتایج نشان داد در طی سالهای اخیر (۱۳۷۵-۱۳۸۰) افزایش عرضه نیروی کار و پایین بودن نرخ رشد تقاضای بازار کار، افزایش نرخ بیکاری را در پی داشته و بخشی از علت عدم تحقق اهداف اشتغال‌زایی در بودجه‌های سالانه به مشکلات و موانع قانونی سیاستهای بودجه‌ای مربوط به ابزارهای مالیاتی ارتباط داشته است. ضوابط مالیاتی تعیین شده در قانون مالیاتها، نقش تعیین کننده‌ای در روند تولید و به تبع آن اشتغال دارد. در این باره درآمدهای مالیاتی از یک طرف به عنوان منبع تأمین کننده مخارج دولت، نقش راهبردی در تأمین هزینه‌های مربوط به ایجاد اشتغال دارند و از طرف دیگر از طریق نرخها و معافتهای مالیاتی و سایر ابزارهای مالیاتی می‌توان با ایجاد تحول در روند بازار تولید و سرمایه‌گذاری، به هدف تقویت بازار و برقراری فرصتهای شغلی دست یافت. در مجموع نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اولاً در بلندمدت سیاستهای مالی دائمی نسبت به سیاستهای مالی موقت و مقطعی تأثیر بیشتری در بازار کار خواهد گذاشت. ثانیاً از بین سیاستهای موقت، تنها افزایش هزینه‌های دولت می‌تواند آثار مثبت بر رشد اشتغال و کاهش بیکاری داشته باشد. ثالثاً افزایش هزینه‌های دولت چه به عنوان یک سیاست موقت و چه به عنوان یک سیاست دائمی در بلندمدت، آثار مثبتی بر اشتغال و کاهش بیکاری خواهد گذاشت، اما کاهش مالیاتها تنها در صورتی در بلندمدت آثار مثبت خواهد داشت که به عنوان یک سیاست دائمی به کار بسته شود. به هر حال از آنجا که کاهش دائمی مالیاتها تأمین منابع مالی هزینه‌های دولت را منتفی می‌سازد، لذا نمی‌توان چنین سیاستی را در پیش گرفت و دستیابی به چنین امری غیر ممکن است. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر هدف از سیاستگذاری رفع بیکاری در کوتاه مدت باشد، سیاست کاهش مالیاتها (از طریق ایجاد تسهیلات مالیاتی برای کارفرمایان و کارآفرینان و ...) باید اجرا گردد، اما اگر هدف از سیاستگذاری کاهش نرخ بیکاری در بلندمدت (برای مثال در افق زمانی دهساله) باشد، کارآمدترین سیاست، افزایش دائمی هزینه‌های دولت خواهد بود. البته افزایش مخارج دولت و

سیاستگذاری در خصوص کاهش نرخهای مالیاتی و یا برقراری مشوقهای مالیاتی کارآمد باید به گونه‌ای باشد که با هدایت این تسهیلات به سمت تولید و سرمایه‌گذاری، بتوان اهداف اشتغالزایی دولت را محقق ساخت.

کیارسی (۱۳۸۶) در بررسی نرخ بهینه مالیات و مخارج دولتی در چارچوب الگوی سه بخشی رشد درون‌زا-مدل ایران به این نتیجه رسید که وقتی مخارج دولت بهره‌ور باشد و دولت نیز بتواند بر روی سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در نرخهای متفاوت مالیات وضع نماید، برنامه مالیات و مخارج بهینه منعکس‌کننده بهترین راهکار هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت خواهد بود. براساس نتایج این تحقیق، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، استفاده از یک مالیات بر درآمد پایه از عوامل خاصی که به رانتهای اختصاص داده می‌شوند برنامه مالیاتی بهینه را تشکیل می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی و این پژوهش از شاخه تحقیقات میدانی است. جامعه آماری پژوهش، مدیران شرکتهای تعاونی شهرستان اصفهان می‌باشند که به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های آماری مورد نیاز از آنها از یک پرسشنامه بی‌نام شامل ۲۱ سؤال بسته با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شده و روایی آن با روش روایی محتوا بررسی گردیده است. در این راستا، براساس مطالعه مقدماتی، ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳۹ محاسبه شده که مبین روایی و پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری در این مطالعه می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده گردیده که پس از برآورد مقادیر p و q ($p=0/741$ و $q=0/259$)، حجم نمونه ۲۲۰ نفر محاسبه شده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع تصادفی طبقه‌بندی شده براساس بخشهای تعاونی (کشاورزی، صنعتی، معدنی، خدماتی، مسکن، صنایع دستی، مصرف و اعتبار) می‌باشد و تعداد پرسشنامه‌های کامل و برگشت داده شده ۲۰۹ مورد است.

داده‌های آماری گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS پردازش شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردیده است. روشهای آماری مورد استفاده نیز فراوانی، درصد، درصد تراکمی، میانگین، انحراف معیار، آزمون t تک متغیره، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس هستند.

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱. نظام معافیت مالیاتی کنونی برحسب تمایز بین بخشها در تشکیل و توسعه تعاونیها مؤثر است.
۲. لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در تعیین نرخهای تخفیف مالیاتی در تشکیل و توسعه تعاونیها مؤثر است.
۳. حمایت‌های مالیاتی مشروط به اجرای فعالیتهای توسعه و تحقیق در تشکیل و توسعه تعاونیها مؤثر است.
۴. اطلاع رسانی در مورد تخفیفهای مالیاتی در تشکیل و توسعه تعاونیها مؤثر است.

نتایج و بحث

این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌ها اختصاص دارد و در آن فرضیه‌های تحقیق با استفاده از شیوه‌های آمار استنباطی بررسی شده اند و در پایان دیدگاه مدیران شرکتهای تعاونی دارای وضعیتهای مختلف مالیاتی در مورد فرضیات تحقیق تحلیل گردیده است.

۱. بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق در حالت کلی

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه‌های تحقیق در جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین واقعی هر یک از فرضیه‌های پژوهش به طور کاملاً معنی‌داری ($P < 0/001$) بالاتر از میانگین طیف (سطح متوسط) است؛ یعنی نظام معافیت مالیاتی کنونی برحسب تمایز بین بخشها، لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در تعیین نرخهای معافیت مالیاتی، حمایت‌های مالیاتی در صورت اجرای فعالیتهای تحقیق و توسعه و اطلاع‌رسانی درباره معافیت‌های مالیاتی در تشکیل و توسعه تعاونیها به طور معناداری ($P < 0/001$) بیشتر از سطح متوسط مؤثرند.

جدول ۱. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه‌های تحقیق

$\mu = 3$			انحراف معیار	میانگین	تعداد	شماره فرضیه
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t				
۰/۰۰۱	۲۰۸	۱۳/۴۶	۰/۸۱	۳/۷۶	۲۰۹	فرضیه اول
۰/۰۰۱	۲۰۶	۱۸/۷۷	۰/۵۴	۳/۷۰	۲۰۷	فرضیه دوم
۰/۰۰۱	۲۰۱	۴/۴۹	۰/۷۱	۳/۲۲	۲۰۲	فرضیه سوم
۰/۰۰۱	۲۰۷	۱۸/۵۹	۰/۵۷	۳/۷۳	۲۰۸	فرضیه چهارم

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق بر حسب وضعیت توسعه منطقه (لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای)

بر اساس جدول ۲، دیدگاه پاسخگویان تنها در مورد فرضیه دوم (یعنی اثر لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در تشکیل و توسعه تعاونیها) بر حسب مناطق کمتر توسعه یافته و توسعه یافته در سطح معنی‌داری ۵٪، دارای تفاوت می‌باشد و میانگین این فرضیه برای مناطق کمتر توسعه یافته بالاتر از مناطق توسعه یافته است.

جدول ۲. آزمون t مستقل در خصوص فرضیه‌های تحقیق بر حسب وضعیت توسعه منطقه

شماره فرضیه	وضعیت منطقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
فرضیه اول	توسعه یافته	۱۴۶	۳/۷۵	۰/۸۹	۰/۱۴۱	۱۸۹	۰/۸۸۸
	کمتر توسعه یافته	۴۵	۳/۷۳	۰/۶۲			
فرضیه دوم	توسعه یافته	۱۴۴	۳/۶۴	۰/۵۵	-۲/۰۰۰	۱۸۷	۰/۰۴۷
	کمتر توسعه یافته	۴۵	۳/۸۳	۰/۴۸			
فرضیه سوم	توسعه یافته	۱۴۲	۳/۱۸	۰/۷۰	-۱/۷۸	۱۸۲	۰/۰۷۶
	کمتر توسعه یافته	۲۱	۳/۳۹	۰/۶۱			
فرضیه چهارم	توسعه یافته	۱۳۵	۳/۶۷	۰/۵۸	-۱/۷۳	۹۹/۸	۰/۰۸۷
	کمتر توسعه یافته	۴۵	۳/۸۱	۰/۴۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳. بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق بر حسب بخشهای تعاونی (تمایز بین بخشها)

جدول ۳ نیز نشان می‌دهد بین دیدگاه‌های پاسخگویان بخشهای متفاوت درباره فرضیه‌های اول، دوم و چهارم تحقیق در سطح ۵٪، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما بین دیدگاه آنان در مورد فرضیه سوم تحقیق (تأثیر برخورداری از معافیت مالیاتی در صورت اجرای فعالیتهای تحقیق و توسعه) بر حسب بخشهای متفاوت شرکتها تعاونی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک عاملی فرضیه‌های تحقیق بر حسب بخشهای تعاونی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
فرضیه اول	بین گروهی	۷	۰/۵۶۲	۰/۸۴۱	۰/۵۵۵
	درون گروهی	۱۹۴	۰/۶۶۹		
	کل	۲۰۱	۱۳۳/۶۸		
فرضیه دوم	بین گروهی	۷	۰/۲۷۳	۰/۹۳۰	۰/۴۸۵
	درون گروهی	۱۹۲	۰/۲۹۳		
	کل	۱۹۹	۵۸/۱۹		
فرضیه سوم	بین گروهی	۷	۲/۰۴۲	۴/۶۴۴	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۸۹	۰/۴۴۰		
	کل	۱۹۶	۹۷/۴۲		
فرضیه چهارم	بین گروهی	۷	۰/۶۰	۱/۹۳۰	۰/۰۶۰
	درون گروهی	۱۹۳	۰/۳۱		
	کل	۲۰۰	۶۴/۱۲		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب وضعیت مالیاتی شرکتها تعاونی

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین دیدگاه پاسخگویان شرکتها تعاونی دارای وضعیتهای مختلف مالیاتی (صد در صد معاف از مالیات، برای مدتی معین معاف از مالیات و قسمتی از

درآمد معاف از مالیات) در مورد فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم تفاوت معناداری ($P < 0.05$) وجود دارد، ولی بین نظر آنان در مورد فرضیه اول تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب وضعیت مالیاتی شرکت‌های

تعاونی

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
۰/۵۰۱	۰/۶۹۳	۰/۴۸۱	۲	۰/۹۶۱	بین گروهی	فرضیه اول
		۰/۶۹۴	۱۹۵	۱۳۵/۲۹	درون گروهی	
			۱۹۷	۱۳۶/۲۵	کل	
۰/۰۴۰	۳/۲۸۲	۰/۹۶۵	۲	۱/۹۲۹	بین گروهی	فرضیه دوم
		۰/۲۹۴	۱۹۳	۵۶/۷	درون گروهی	
			۱۹۵	۵۸/۶۳	کل	
۰/۰۰۰	۱۶/۸۸۵	۷/۱۷۷	۲	۱۴/۳۵	بین گروهی	فرضیه سوم
		۰/۴۲۵	۱۸۸	۷۹/۹	درون گروهی	
			۱۹۰	۹۴/۲۶	کل	
۰/۰۱۴	۴/۳۵۵	۱/۳۶۱	۲	۲/۷۲	بین گروهی	فرضیه چهارم
		۰/۳۱۳	۱۹۴	۶۰/۶۵	درون گروهی	
			۱۹۶	۶۳/۳۷	کل	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

عمده‌ترین یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق

عبارتنداز:

۱. تأثیر نظام معافیت مالیاتی بر حسب تمایز بین بخشها، لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای

در تعیین نرخهای معافیت مالیاتی، برخورداری از معافیت مالیاتی در صورت اجرای فعالیتهای

تحقیق و توسعه و اطلاع‌رسانی درباره معافیت‌های مالیاتی، در تشکیل و توسعه تعاونیها به طور کاملاً معنی‌داری ($P < 0/001$) بیشتر از سطح متوسط است.

۲. در سطح معنی‌داری ۵٪، از دیدگاه پاسخگویان، لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در مناطق کمتر توسعه‌یافته از تأثیر بیشتری برخوردار است.

۳. بین دیدگاه مدیران تعاونی بخشهای مختلف در باره تأثیر نظام معافیت مالیاتی کنونی بر حسب تمایز بین بخشی، لحاظ کردن تفاوت‌های منطقه‌ای در تعیین نرخهای معافیت مالیاتی و اطلاع‌رسانی در خصوص معافیت‌های مالیاتی در تشکیل و توسعه تعاونیها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما از نظر آنان، تأثیر حمایت‌های مالیاتی مشروط به اجرای طرحهای تحقیق و توسعه در توسعه تعاونیهای بخشهای مختلف به طور معنی‌داری تفاوت وجود دارد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و مصاحبه با مدیران تعاونیها، پیشنهاد می‌گردد حمایت‌های دولتی و معافیت‌های مالیاتی در راستای تشویق و اجرای فعالیتهای تحقیق و توسعه در بخشهای مختلف (کشاورزی، صنعتی و معدنی و مدرنیزه و مکانیزه کردن سیستمهای سنتی در این سه بخش) بیشتر مد نظر قرار گیرد و تعاونیهایی که در راستای عملی کردن یک ابتکار یا خلاقیت ایجاد می‌شوند، از حمایت‌های مالیاتی ویژه برخوردار شوند. خصوصاً لازم است به منظور تعدیل آثار نامطلوب بحرانهای اقتصادی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش تعاونی کشور، اقداماتی از طریق اعمال حمایت مالیاتی از تعاونیها، در دوره‌های بحران اقتصادی انجام شود. به علاوه پیشنهاد می‌شود اعمال تفاوت‌های منطقه‌ای در الگوهای تدوین مشوقها و معافیت‌های مالیاتی، برای مناطق کمتر توسعه‌یافته از شدت بیشتری برخوردار شود و با توجه به استعدادها و تهدیدهای منطقه‌ای و هماهنگی با طرح آمایش سرزمین، توجه ویژه‌ای به مناطق مذکور مبذول گردد. همچنین به اطلاع‌رسانی درباره موقعیتهای سرمایه‌گذاری و مشوقهای سرمایه‌گذاری و معافیت‌های مالیاتی، از طریق برگزاری همایشها و جلسه‌های بحث و گفتگو در رسانه‌های نوشتاری، گفتاری و دیداری، خصوصاً برنامه‌های ویژه در صدا و سیما، توجه بیشتر شود.

منابع

۱. آقایی، الله محمد (۱۳۸۰)، بررسی معافیت زیربخش های کشاورزی در نظام مالیاتی، انتشارات پایگان، تهران.
۲. حاتمی زاده، زیور و همکاران (۱۳۸۲-۸۳)، اثر سیاستهای مالی (مالیاتها و مخارج) بر سطح اشتغال در ایران طی سالهای ۸۰-۱۳۳۸، طرح تحقیقاتی پژوهشکده امور اقتصادی.
۳. حسین زادگان، محمد (۱۳۸۲)، تأثیر پایه های مالیاتی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
۴. قنبری، محمود، علی ابراهیم زاده و بهروز قاسمی (۱۳۷۹)، نهضت تعاونی در ایران، انتشارات پایگان، تهران.
۵. کیارسی، مهرباب (۱۳۸۶)، نرخ بهینه مالیات و مخارج دولتی در چارچوب الگوی سه بخشی رشد درونزا- مدل ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
۶. مستعانی، محمدحسین (۱۳۷۵)، تعاون و گسترش عدالت اجتماعی، انتشارات وزارت تعاون.
۷. ملایی پور، (۱۳۸۲-۸۳)، ساده سازی ضرایب مالیاتی اشخاص حقوقی، طرح تحقیقاتی پژوهشکده امور اقتصادی.
۸. نظام نیا، محمود و همکاران (۱۳۷۸-۷۹) اثرات اقتصادی معافیت مالیاتی موضوع ماده ۲۳ اصلاحی و بند الف ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم در استان اصفهان، طرح تحقیقاتی، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان اصفهان.